

رویکردها و منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی

سعید حجازی فر *

دریافت مقاله: ۹۵/۰۸/۱۳

پذیرش نهایی: ۹۶/۰۳/۱۶

چکیده

این مقاله می‌کوشد تا طرحی نو در اندازد و رویکردهای مختلف را نسبت به مدیریت اسلامی مشخص و طبقه‌بندی کند. روش پژوهش، کیفی است که با استفاده از روش‌شناسی فرا روش انجام شده است. در نهایت رویکردها از لحاظ قیاسی و استقرایی در چهار دسته طبقه‌بندی شد. از لحاظ رویکرد قیاسی، رویکردها از لحاظ منشأ و ساختار نظری یا موضوع و از لحاظ منابع و ابزار شناخت طبقه‌بندی شدند که از لحاظ منشأ و ساختار نظری یا موضوع رویکردها شامل رویکردهای تأییدی، تهذیبی، استنباطی، تأسیسی، تطبیقی و تلفیقی است و از لحاظ منابع و ابزار شناخت، رویکردها شامل رویکرد علمی، رویکرد فلسفی، رویکرد عرفانی و رویکرد دینی است. رویکردها از لحاظ استقرایی از لحاظ ماهیت و محتوای نظریه یا موضوع و از لحاظ غایت پژوهش طبقه‌بندی شد که از لحاظ ماهیت و محتوای نظری یا موضوع رویکردها شامل رویکردهای اصولگرا، اخلاقگرا، وظیفه‌گرا، مبانی‌گرا، تخصصی‌گرا، الگوگرا، منبع‌گرا، فقهی‌گرا، حاکمیت‌گرا و ترکیبی است. از دیدگاه غایت پژوهش نیز رویکردها شامل رویکردهای موضوع‌محور، مسئله‌محور و سنجش و ارزیابی است. در پایان نیز منظومه پژوهشی برای نظام‌مند کردن مطالعات مدیریت اسلامی پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت اسلامی، منظومه پژوهشی، روش‌شناسی، علم دینی، پیاز پژوهش.

* دانشجوی دکتری تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)

مقدمه

مدیریت اسلامی از دیر باز مورد تعلق خاطر همه آنانی بوده است که دل در گروی اسلام دارند. بر این اساس، بسیاری کوشیده‌اند تا در جهت شناخت و معرفی این پدیده مهم، گامی فرا پیش نهند (عابدی جعفری و ازگلی، ۱۳۷۵: ۱۰۰). در این مسیر هر کس کوشیده است از زاویه خاصی به مباحث مدیریت اسلامی بپردازد. به این دلیل رویکردهای زیادی در پرداختن به علم مدیریت اسلامی شکل گرفته است. کمبود چارچوب فکری منسجم در بررسی نظام‌مند علم مدیریت اسلامی و دسته‌بندی رویکردهای مدیریت اسلامی، باعث تولید جنگلی از مطالب پراکنده و گسسته در عرصه مدیریت اسلامی شده است. با توجه به اهمیت این موضوع این مقاله می‌کوشد تا طرحی نو در اندازد و رویکردهای مختلف به مدیریت اسلامی را احصاء و طبقه‌بندی کند. برای رسیدن به این هدف در این پژوهش هم از روش قیاسی و هم از روش استقرایی استفاده شده است. هم‌چنین برای نظام‌مند شدن پژوهشهای مدیریت اسلامی تلاش شده است در پایان، منظومه پژوهشی پیشنهاد شود. با توجه به این مطالب سؤالات پژوهش به قرار ذیل است:

۱- چه رویکردهایی از دیدگاه قیاسی در مطالعات مدیریت اسلامی مطرح است؟

۲- چه رویکردهایی از دیدگاه استقرایی در مطالعات مدیریت اسلامی است؟

۳- منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی برای نظام‌مند کردن مطالعات مدیریت اسلامی

چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در صورتی که مبنای تقسیم‌بندی رویکردها مشخص نشود، باعث اغتشاش فکری خواهد شد (نجاری، ۱۳۸۷). از آنجا که رویکردها هر یک از سوی اندیشمندی خاص صورت گرفته در واقع معرف نوع نگاهی است که او به مدیریت اسلامی دارد و قطعا تحت تأثیر نظام فکری اوست و بر این مبنا رویکردها، نوعی تفاوت، تغایر و دوگانگی دارد. بحث از رویکرد یعنی اشاره به زوایای دید ورود به مدیریت اسلامی؛ بدین معنی که اگر چه مدیریت اسلامی مفهومی واحد است، کسانی که به این مفهوم واحد نگاه کرده‌اند، هر کدام، زاویه‌ای خاص را انتخاب کرده و از آن زاویه به آن نگریسته‌اند. بنابراین طرح رویکردها و دیدگاه‌ها و مشخص کردن آنها مهمترین قدم و اولین گام

در راستای فراهم شدن زمینه نظریه پردازی درباره مدیریت اسلامی است؛ چرا که اصولاً هر علمی در مسیر رشد و توسعه خود چنین فرایندی را طی کرده است (امیری و عابدی جعفری، ۱۳۹۲: ۹۳ و ۹۲).

برخی از اندیشمندان و پژوهشگران در راستای شناسایی رویکردهای مدیریت اسلامی تلاش کرده‌اند تا این رویکردها را شناسایی و بررسی کنند که در اینجا به این موارد اشاره می‌شود: چاوشی در پژوهشی با عنوان بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی پنج رویکرد اصلی را در این حوزه مطرح می‌کند که شامل نظریه یا رویکرد نظری رشد در مدیریت اسلامی، رویکرد اصولگرایی، رویکرد اخلاق و ویژگیهای مدیران اسلامی، رویکرد وظایف مدیران مسلمان، رویکرد تأثیر ارزشهای اسلامی بر مدیریت است (چاوشی، ۱۳۸۸: ۴۳).

خنیفر با تحلیل محتوای آثار منتخب مدیریت اسلامی، هفت رویکرد را معرفی کرده که عبارت است از: استناد به آیات و روایات محض، استناد به آیات و روایات و انطباق با مباحث علمی، رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای، استناد به استدلالهای عقلی، استناد به نهج البلاغه، استناد به مباحث ادبی و تاریخی، استناد به مباحث اخلاقی (خنیفر، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

لطیفی در مقاله‌ای به صورت اجمالی رویکردهای هشتگانه ذیل را در حوزه مدیریت اسلامی معرفی می‌کند: پژوهشهایی با صبغه فلسفی، پژوهشهایی با صبغه نظری، پژوهشهایی با صبغه قرآنی، پژوهشهایی با صبغه روایی، پژوهشهایی با صبغه تاریخی، پژوهشهایی با صبغه فقهی - اجتهادی، پژوهشهایی با صبغه انقلاب اسلامی، پژوهشهایی با صبغه نیازهای جاری جامعه اسلامی (لطیفی، ۱۳۹۰: ۳۸ و ۳۷).

امیری برای بررسی قاعده‌مند رویکردها در مدیریت اسلامی با استفاده از الگوی سطوح شناخت چهار رویکرد را مطرح کرده است. این الگو از دو بعد تشکیل یافته است: بعد اول، به انسان و مراتب شناخت او مربوط است که به صورت چهار رویکرد معرفتی منعکس شده است: رویکرد حسی (که متناسب با ابزار حس در ادراک، اصالت را به تجربه می‌دهد)، رویکرد عقلی (که متناسب با ابزار عقل و اصالت آن مطرح شده است)، رویکرد قلبی (که متناسب با ابزار قلب و تمرکز بر آن موضوعیت یافته است) و رویکرد وحیانی (که با تکیه بر منبع وحی و اصالت آن مطرح شده است). بعد دوم به موضوع شناخت و لایه‌های وجودی آن و سطوح مختلفی مربوط است که متعلق معرفت انسان در رویکردهای معرفتی قرار می‌گیرد. این سطوح به ترتیب عبارت

است از: سطح ظاهری (که به ابعاد فیزیکی شیء مربوط، و با ابزار حسی و تجربی قابل شناسایی است.)، سطح انتزاعی (که به شناخت مفهومی و متعلق شناخت فلسفی مربوط است.)، سطح آیه‌ای (که به ماهیت اشیا به این دلیل که آیه و نشانه خداوند است، اشاره دارد و متعلق شناخت عرفانی است.) و سطح غایتی (که به هدفداری و مخلوق بودن امور اشاره دارد و متضمن رشد و کمال و درک و حیانی است). در این مقاله رویکرد تجربی مورد بررسی قرار گرفته است (امیری، ۱۳۸۶: ۱۴۷ تا ۱۴۸).

امیری در مقاله دیگری رویکرد فقهی - اجتهادی را مورد مذاقه قرار داده است. بر مبنای رویکرد فقهی - اجتهادی، براساس مراجعه به متون اسلامی و با توسل به روش نقلی به استنباط بایدها و نبایدها در مدیریت موجود به عنوان یک واقعیت و یک اصل پذیرفته شده، اقدام می‌شود؛ به عبارت دیگر با توجه به مفهوم فقه تلاش می‌شود نظریاتی بررسی شود که مدیریت اسلامی را در قالب مدیریت فقهی ارائه کرده است (امیری، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

گنجعلی و پارسا زاده معتقدند که مطالعات در حوزه مدیریت اسلامی، برنامه پژوهشی ندارد و به ایجاد پارادایم منجر نشده است. برای نظام‌مند کردن مطالعات این حوزه آنها پیشنهاد می‌کنند که از الگوی تلفیقی لاکاتوش - کوهن استفاده شود. الگوی تلفیقی لاکاتوش - کوهن، الگویی است که می‌تواند با برقراری ارتباط قاعده‌مند، میان چارچوبهای فکری در پارادایم اسلامی و نظریه‌های مدیریت، الگویی روش‌شناختی برای نظریه‌پردازی در مدیریت اسلامی، عرضه، و مطالعات تطبیقی مدیریت اسلامی را به مطالعه‌ای میان رشته‌ای تبدیل کند (گنجعلی و پارسا زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

عابدی جعفری و ازگلی آثار پژوهشگران مدیریت اسلامی را در سطح کلان بر اساس ابعاد و گستره موضوع (کلیات مدیریت اسلامی، شاخه‌های تخصصی)، روش شناخت (روش مستقل، روش تطبیقی)، گرایش موضوعی (قرآن، حدیث، اخلاق اسلامی، سیره، فلسفه، فقه، ترکیبی از گرایشها) و وضعیت مخاطبان (فرماندهان و رزمندگان اسلام، مدیران آموزشی و فرهنگی، کارگزاران دولتی) دسته‌بندی کرده‌اند (عابدی جعفری، ازگلی، ۱۳۷۵: ۱۰۹ تا ۱۱۰).

رحمتی مطالعات مدیریت اسلامی را بر اساس چهار بعد موضوعی یا محتوایی، بعد روش شناختی، بعد منابع مورد استفاده، بعد نویسندگان یا مؤلفان آثار تقسیم بندی کرده است.

الف - مطالعات مدیریت اسلامی در بعد محتوایی در سه دسته قرار می‌گیرد:

۱ - کتابهایی که مباحث مدیریت اسلامی را در حد نظریه‌ها و اصول مدیریت و حکومتداری

مطرح کرده است.

۲ - کتابهایی که مباحث مدیریت اسلامی را از حد نظریه گذرانده و تا حدودی وارد شیوه‌ها و برنامه‌های عملیاتی شده است.

۳ - کتابهایی که هدف آنها ارائه پندها و آموزه‌های اخلاقی برای مدیران جوامع اسلامی و انتقال اصول یا فنون مدیریت است.

ب - مطالعات مدیریت اسلامی در بعد روش‌شناختی در دو دسته قرار می‌گیرد:

۱ - کتابهایی که در آنها مبنا و ساختار اصلی کتاب بر پایه نظریه‌های غربی مدیریت قرار دارد و در جریان مطالعه از متون و منابع اسلامی (قرآن و حدیث) تأییدهایی برای آنها گردآوری شده است.

۲ - کتابهایی که در آنها مبنا، متون و منابع اسلامی است و هر آیه و نشانه‌ای که به زعم نویسنده با مباحث مدیریت و حکومتداری در جامعه اسلامی مرتبط بوده، گردآوری شده و از ساختاربندی آیات و احادیث، کتابی تدوین شده است.

ج - مطالعات مدیریت اسلامی در بعد منابع مورد استفاده در چهار دسته قرار می‌گیرد:

۱ - کتابهایی که عمدتاً به استناد آیات و روایات به نگارش در آمده است.

۲ - کتابهایی که به استناد متون و منابع علمی مدیریت و بر پایه آیات و روایات نوشته شده است.

۳ - کتابهایی که عمدتاً بر پایه نهج البلاغه (بویژه نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر) تدوین شده است.

۴ - کتابهایی که منبع آنها را سخنرانیها یا مقالات گوناگون و مختلف تشکیل داده است و ساختار منسجمی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت.

د - مطالعات مدیریت اسلامی در بعد نویسندگان یا مؤلفان آثار در سه دسته قرار می‌گیرد:

۱ - مؤلفانی که حوزه تخصصی آنها مطالعات دینی و مذهبی است و مدیریت را به طور جنبی و بسیار کلی مورد مطالعه قرار داده‌اند.

۲ - مؤلفانی که حوزه تخصصی آنها مدیریت است و جنبه دینی را از طریق مطالعات جنبی یا استفاده از آثار اندیشمندان دینی کسب کرده‌اند.

۳ - مؤلفانی که جنبه دو ساحتی حوزوی و دانشگاهی داشته‌اند و رشته مطالعاتی آنها در

دانشگاه، مدیریت بوده است (رحمتی، ۱۳۸۸: ۲۱۱ تا ۲۱۴).

نجاری از دو دیدگاه کلی، رویکردها را مورد بررسی قرار داده است. از لحاظ منشأ و ساختار نظری یا موضوع رویکردها شامل رویکرد تأسیسی، تطبیقی، انطباقی، تلفیقی است. از لحاظ ماهیت و محتوای نظری یا موضوع رویکردها شامل رویکرد رشد، اصولگرایی، اخلاقی/ارزشی و وظیفه‌گرایی است (نجاری، ۱۳۸۵: ۷۷ تا ۹۹).

امیری و عابدی جعفری بر اساس سطوح شناخت چهار رویکرد حسی - تجربی، عقلی - فلسفی، عرفانی - شهودی، فقهی - اجتهادی را در مطالعات مدیریت اسلامی مطرح کرده‌اند. در ادامه نیز رویکرد اخلاقی را در مدیریت مورد بررسی قرار داده‌اند (امیری و عابدی جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۵ تا ۲۳۵).

امیری در کتاب نقطه‌های آغاز در مدیریت اسلامی، طبقه‌بندی دیگری از رویکردها به صورت ذیل ارائه کرده است:

۱ - رویکردهای برون دینی شامل رویکردهای تجربی، رویکردهای فلسفی و رویکردهای اصلاحی است.

۲ - رویکردهای درون دینی شامل رویکردهای فرامفهومی و رویکردهای تأسیسی است.

۳ - رویکرد مبتنی بر نسبت علم و دین (چیت‌سازیان و جوانعلی آذر، ۱۳۹۴: ۲۵۶ تا ۲۵۸).

خلاصه این رویکردها در جدول ذیل ارائه شده است. هم‌چنین این جدول با توجه به اینکه رویکردها را بر حسب سال انتشار آثار مرتب کرده است، می‌تواند نمایی از سیر تطور مطرح کردن رویکردها را نشان دهد.

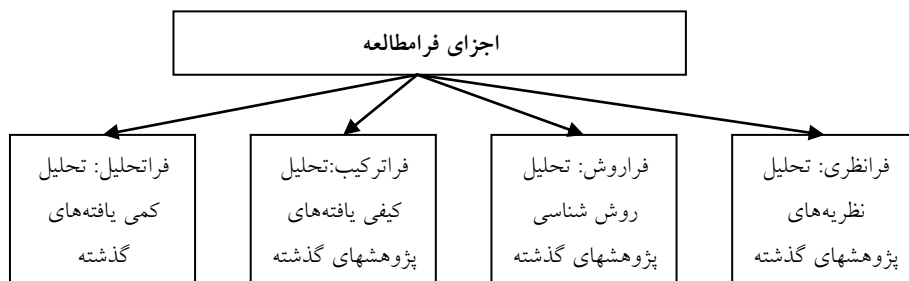
جدول ۱: رویکردهای مطالعات مدیریت اسلامی

ردیف	رویکردها	نویسنده / نویسندگان
۱	دسته‌بندی بر اساس موضوع، روش شناخت، گرایش موضوعی، وضعیت مخاطبان	عابدی جعفری و ازگلی (۱۳۷۵)
۲	استناد به آیات و روایات محض، استناد به آیات و روایات و انطباق با مباحث علمی، رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای، استناد به استدلال‌های عقلی، استناد به نهج البلاغه، استناد به مباحث ادبی و تاریخی، استناد به مباحث اخلاقی	خنیفر (۱۳۸۴)
۳	دیدگاه اول: تأسیسی، تطبیقی، انطباقی، تلفیقی، دیدگاه دوم: رویکرد رشد، اصولگرایی، اخلاقی / ارزشی و وظیفه‌گرایی	نجاری (۱۳۸۵)
۴	حسی، عقلی، قلبی، و حیانی	امیری (۱۳۸۶)
۵	رشد، اصولگرایی، اخلاق و ویژگیهای مدیران اسلامی، وظایف مدیران مسلمان، تأثیر ارزشهای اسلامی بر مدیریت	چاوشی (۱۳۸۸)
۶	فقهی - اجتهادی	امیری (۱۳۸۸)
۷	تقسیم‌بندی بر اساس چهار بعد موضوعی یا محتوایی، بعد روش‌شناختی، بعد منابع مورد استفاده، بعد نویسندگان یا مؤلفان آثار	رحمتی (۱۳۸۸)
۸	پژوهشهایی با صبغه فلسفی، پژوهشهایی با صبغه نظری، پژوهشهایی با صبغه قرآنی، پژوهشهایی با صبغه روایی، پژوهشهایی با صبغه تاریخی، پژوهشهایی با صبغه فقهی - اجتهادی، پژوهشهایی با صبغه انقلاب اسلامی، پژوهشهایی با صبغه نیازهای جاری جامعه اسلامی	لطیفی (۱۳۹۰)
۹	الگوی تلفیقی لاکاتوش - کوهن	گنجعلی و پارسازاده (۱۳۹۰)
۱۰	رویکردهای حسی - تجربی، عقلی - فلسفی، عرفانی - شهودی، فقهی - اجتهادی و رویکرد اخلاقی	عابدی جعفری و امیری (۱۳۹۲)
۱۱	رویکردهای برون دینی (رویکردهای تجربی، رویکردهای فلسفی و رویکردهای اصلاحی)، رویکردهای درون دینی (رویکردهای فرامفهوم‌ی و رویکردهای تأسیسی)، رویکرد مبتنی بر نسبت علم و دین	امیری (۱۳۹۴)

روش پژوهش

روش این تحقیق، کیفی است که با استفاده از روش‌شناسی فراروش انجام شده است. فراروش

یکی از اقسام روشهای فرامطالعه است. پنج و دی در ارتباط با روش فرامطالعه چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که به‌طور کلی می‌توان گفت که فرامطالعه شامل چهار قسمت اصلی است به این شرح: فراتحلیل^۱ (تحلیل کمی محتوای مطالعات اولیه)، فراروش^۲ (تحلیل روش‌شناسی مطالعات اولیه)، فرانظری^۳ (تحلیل نظریه‌های مطالعات اولیه)، فراترکیب^۴ (تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه) (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳).



نمودار ۱: اجزای فرامطالعه

برای گردآوری داده‌های تحقیق از داده‌های ثانویه به نام اسناد و مدارک گذشته استفاده شده است. منظور از این اسناد و مدارک، هفتاد و پنج کتاب در حوزه مدیریت اسلامی است که در داخل کشور به چاپ رسیده است. تحلیل تفصیلی این کتاب در کتاب مآخذشناسی تحلیلی کتب مدیریت اسلامی به رشته تحریر در آمده است (حجازی فر و خانی، ۱۳۹۴).

برای روش فراروش در این پژوهش گامهای ذیل به صورت نموداری طی شد:

-
- 1 - Meta - Analysis
 - 2 - Meta - Method
 - 3 - Meta - Theory
 - 4 - Meta - Synthesis



نمودار ۲: فرایند پژوهش

یافته‌های پژوهش

طبق یافته‌های پژوهش، رویکردهای مدیریت اسلامی از دید قیاسی و استقرایی به صورت ذیل قابل دسته‌بندی است.

انواع رویکردهای مدیریت اسلامی از دید قیاسی

دیدگاه اول: تقسیم‌بندی رویکردها از لحاظ منشأ و ساختار نظری یا موضوع

منظور این است که برای تولید مدیریت اسلامی آیا منابع اصلی شامل منابع اسلامی می‌شود یا منابع مدیریت غربی؟ نگاه‌های متفاوت به چگونگی و میزان پذیرش و اولویت استفاده از هر کدام از این منابع رویکردهای متفاوتی را ایجاد کرده است. بر مبنای منشأ و ساختار رویکردها به صورت زیر دسته‌بندی می‌شود:

رویکرد تأییدی

در رویکرد تأییدی، علم مدیریت امروزی مبنای کار قرار می‌گیرد و تمامی اصول، فنون و روشهای رایج در آن به عنوان مفروضات اولیه پذیرفته، و در ادامه در متون اسلامی، شواهدی برای تأیید این مفروضات اولیه پیگیری می‌شود. در واقع رویکرد تأییدی، نسبت به علم منفعلانه است و

دین را تابع علم در قضایای تجربی می‌داند. در این رویکرد علم مدیریت رایج تأیید شده و کار پژوهشگر، واکاوی منابع اسلامی برای تأیید آن است (نجاری، ۱۳۸۷).

این رویکرد بر نوع خاصی از دین‌شناسی مبتنی است و بر آن است که دین اسلام حاوی علوم و دانش‌های مختلفی است که آدمی به آنها نیاز دارد. در این رویکرد، کوشش می‌شود یافته‌های علمی، صریح یا ضمنی در متون اسلامی، واکاوی گردد و حقانیت دین از این طریق به اثبات رسد و یافته‌های علم جدید، وسیله اثبات به حق بودن دین است. پیشفرض ناخود آگاه در چنین رویکردی این است که علم تجربی جدید، دانشی موجه و مقبول است. در صورتی که بتوان نشان داد در دین نیز سخنانی چنان آمده است، دینی موجه و معقول خواهیم داشت؛ به عنوان نمونه نگارنده در تعریف برنامه‌ریزی می‌نویسد برنامه‌ریزی متضمن تعیین هدفها و مقاصد سازمان و تهیه نقشه و برنامه کار است. برنامه‌ها نشان می‌دهد که چگونه باید هدفها محقق شود. از نظر آیات قرآن و روایات، برنامه‌ریزی اهمیت بسیاری دارد (نبوی، ۱۳۷۶: ۳۹؛ احمدزاده، ۱۳۸۴: ۱۵۶ تا ۱۵۷).

رویکرد تهذیبی

دومین رویکرد، تهذیبی است که دو قسم است: (۱) تهذیبی ساده (۲) تهذیبی تکمیلی.

(۱) تهذیبی ساده

تلقی دیگر از علم دینی این است که علوم موجود با نظر به اندیشه اسلامی از ناخالصی‌ها و انحرافات پیراسته شود و احتمالاً بخشهایی نیز بر آن افزوده شود (باقری، ۱۳۹۰: ۲۳۴). پیشفرض این رویکرد این است که از آنجا که علم مدیریت رایج بر پایه مبانی الهی و اسلامی شکل نگرفته است، برخی انحرافات و ناخالصی‌هایی دارد. حال اگر این انحرافات و ناخالصی‌ها توسط سرند دین، شناسایی و حذف شود، آنچه باقی خواهد ماند، همان مدیریت اسلامی است. در واقع نقش دین در اینجا، حداقلی و غربالگری است و نمی‌توان از آن برای توسعه علم مدیریت و ارائه نظریات جدید استفاده کرد.

یکی از دلایل شکل‌گیری این رویکرد ناکافی بودن، سنخیت نداشتن با فرهنگ اسلامی و بومی و مشکل‌آفرین بودن علم مدیریت رایج برای اداره جامعه اسلامی است. برای رفع این مشکلات راهکاری که ارائه شده این است که علم مدیریت رایج مورد بازبینی و بازپیدایی قرار گیرد تا مواردی که با آموزه‌های دینی ناسازگاری دارد، کنار گذاشته شود. علمی را که از این فرایند پالایش باقی می‌ماند، می‌توان علم مدیریت اسلامی در نظر گرفت (رمضانی، ۱۳۸۷).

۲) تهذیبی تکمیلی

سطح دیگر رویکرد تهذیبی علاوه بر نقش غربالگری برای دین، نقش دیگری هم قائل است. در این رویکرد از دین به عنوان منبع ارائه نظریات جدید و توسعه علم مدیریت رایج استفاده می‌شود. نقش دین در این رویکرد از رویکرد قبلی پررنگتر است و از دین هم برای غربالگری و هم برای توسعه و تقویت علم مدیریت رایج استفاده می‌کند (رمضانی، ۱۳۸۷).

نویسنده دیگری، این رویکرد را انطباقی خوانده و آن را این چنین توضیح داده است: در این رویکرد نظریه‌های مختلف بررسی، و سعی می‌شود که بر موازین اسلامی و مفروضات بنیادین منطبق گردد که در واقع نقد نظریه‌ها را هم شامل می‌شود که به تأیید، رد یا حکم و اصلاح آن نظریه منجر می‌گردد. معمولاً این افراد، واقع بین هستند و پیشداوری منفی ندارند و سعی می‌کنند از یافته‌های علمی دیگران استفاده صحیح کنند. البته یک رویکرد انطباقی منفی نیز هست که شامل افرادی است که به طور مطلق نظریه‌های مدیریت غربی را صحیح و کامل می‌پندارند و سعی می‌کنند دلایل تأیید آن را به هر شکلی که شده از دین اسلام پیدا کنند (نجاری، ۱۳۸۵: ۷۸).

نویسنده دیگری این رویکرد را تکمیلی خوانده و آن را چنین توضیح داده است:

تلقی دیگر از مدیریت اسلامی این است که علوم مدیریت و سازمان با نظر به اندیشه اسلامی از ناخالصی‌ها و انحرافات پیراسته، و احتمالاً بخشهایی نیز بر آن افزوده شود. این رویکرد بر آن است که مدیریت غربی به سبب آغشتگی علوم غربی به عناصر و مفاهیم بنیادی برخاسته از تمدن غربی، معرفت کارامدی را در اختیار ما قرار نمی‌دهد؛ پس باید به جداسازی این عناصر و مفاهیم از تنه دانش مدیریت معاصر پرداخت و سپس مفاهیم اسلامی را در آن داخل کرد؛ چرا که آنچه صورتبندی شده، آمیخته با ویژگیهای فرهنگی و تمدن باختری است؛ به عنوان نمونه در یکی از آثار در حوزه مدیریت اسلامی آمده ممکن است اسلام ادعا کند که اهدافی بالاتر از اهداف اقتصادی برای سازمانهای تولیدی (در غرب) تنظیم می‌کند؛ در این صورت باید نخست آن اهداف را شناخت و سپس سازمان تولید را تنظیم کرد (علی احمدی، ۱۳۸۳: ۲۴) یا در جایی دیگر ادعا می‌کند آنچه مستقیماً به مسلمات معرفتی و نگرشهای مربوط به هستی‌شناسی مربوط می‌شود و در عین حال با دیدگاه اسلامی تعارض و تضادی هم ندارد، بلکه تنها در آن نسبت به برخی از ابعاد و جوانب کوتاهی شده یا این جوانب مطرح نشده است که می‌توان در پرتوی بینش اسلامی آنها را تکمیل کرد، بدون اینکه نیاز به تخریب و یا انکار کلی آنها باشد... به این ترتیب فعالیت حواس و

عقل، که نظریه‌های پوزیتیویستی و تجربی افراطی در اعتماد انحصاری به آنها به افراط و مبالغه گراییده است، تعدیل و تکمیل خواهد شد (علی احمدی، ۱۳۸۳: ۸۹؛ احمدزاده، ۱۳۸۴: ۱۵۸ تا ۱۵۹).

در واقع این رویکرد به دنبال پیراستن علوم غربی بر مبنای آموزه‌های اسلامی است که با عناوین مختلف مثل تهذیبی، انطباقی و تکمیلی خوانده شده است. مهمترین نکته در بررسی این رویکرد این است که این رویکرد در معرض این مخاطره قرار دارد که وحدت و یکپارچگی نظریه‌های علمی را نادیده می‌گیرد که در فرضیه‌ها، روشها و یافته‌های آنها جلوه‌گر می‌شود. عدم توجه به این وحدت و کاستن اجزایی از نظریه‌های علمی که با اسلام سازگار نیست و افزودن مواردی به آنها که از متون اسلامی استخراج، و به عنوان مؤید یا مکمل آنها در نظر گرفته می‌شود، مشکلاتی را به وجود می‌آورد (باقری، ۱۳۹۰: ۲۴۳).

رویکرد استنباطی (افراطی و معتدل)

این رویکرد در علم دینی بر دین‌شناسی دایرة المعارفی مبتنی است که بر اساس این نوع دین‌شناسی، دین حاوی علوم و دانشهای مختلفی است که آدمی به آنها نیاز دارد. در باب اشتغال دین نسبت به علوم و دانشها دو نظر وجود دارد: در نظر نخست تصور این است که دین همه علوم را با همه جزئیات آنها در بر دارد و در نظر دوم عقیده بر این است که اصول کلی همه علوم در دین یافت می‌شود. بر اساس نظر نخست اگر قرار باشد علمی دینی فراهم آید، باید کوشید تا با مطالعه دقیق متون دینی، مواد علم مورد نظر را از آنها استنباط و استخراج کرد و سپس با تألیف و سازماندهی آنها پیکره علم مورد نظر را سامان بخشید؛ به سخن دیگر در این حالت علم دینی به طور کامل اکتشافی است؛ اما محل اکتشاف آن متون دینی است.

بر اساس نظر دوم فراهم آوردن علم دینی در گروهی این است که اصول و کلیات آن از متون دینی استخراج، و سپس به شیوه‌ای استنباطی به کمک آن اصول و کلیات موارد و یافته‌های جزئی مشخص شود. در این حالت علم دینی به طور کامل اکتشافی نیست بلکه اکتشافی/ استنتاجی است (باقری، ۱۳۹۰: ۲۱۲). نظر اول رویکرد استنباطی افراطی است و نظر دوم رویکرد استنباطی معتدل است. برای دست یافتن به مدیریت اسلامی در این رویکرد باید منابع اسلامی با نگاه مدیریتی مورد بررسی قرارگیرد و مسائلی که صبغه مدیریتی دارد، استنباط و استخراج شود و در قالب یک مجموعه شکل بگیرد. ادعای این رویکرد این است که با نگاه صرفاً تحلیلی، استنباطی، تفسیری و

بدون نگاه تجربی می توان به مدیریت اسلامی دست یافت (رمضانی، ۱۳۸۷). در بررسی این رویکرد باید گفت که آنچه به عنوان یافته‌های علمی (اعم از اصول کلی یا جزئیات) از متون دینی به دست می‌آید، شکل اعتقادی و بنابراین جزمی پیدا می‌کند و نسبت به تجربه و تحولاتی که در آن رخ می‌نماید، بی‌اعتنا خواهد بود. این جزمیت در علم، خود مسئله‌ای است که علم در تاریخ پویای خود در برابر آن همواره محتاط بوده است. مبنای دین‌شناختی این رویکرد نیز قابل قبول نیست (باقری، ۱۳۹۰: ۲۱۴).

رویکرد تأسیسی

منظور این است که علم دینی همچون هر نوع تلاش علمی دیگری باید در پرتوی قدرت الهام‌بخشی پیشفرضهای خاص خود از سویی و گیر و دار تلاش تجربی از سوی دیگر تکوین یابد. با توجه به نفوذ عمیق پشتوانه متافیزیکی در مرحله‌های مختلف گسترش هر نظریه علمی، می‌توان نظریه علمی را به گونه‌ای با مسما به پشتوانه متافیزیکی آن منتسب دانست. در صورتی که اندیشه‌های اسلامی بتوانند چنین نفوذ عمیقی را در جریان تکوین رشته یا رشته‌هایی از علوم انسانی عهده‌دار شود به سبب همین نفوذ محتوایی، می‌توان آن را به صفت اسلامی منتسب ساخت و از علوم انسانی اسلامی سخن گفت. علم دینی به این معنا موجودیتی یکپارچه خواهد داشت. این یکپارچگی بدین گونه به دست می‌آید که تلقی‌های دینی به منزله پیشفرض گرفته می‌شود و آن‌گاه با الهام از آنها فرضیه‌پردازی‌هایی در مورد مسائل روانی یا اجتماعی صورت می‌پذیرد که طبیعتاً تلائم و تناسبی میان این فرضیه‌ها با تلقی‌های دینی وجود خواهد داشت.

پس از تکوین فرضیه‌ها نوبت آزمون تجربی آنها فرا می‌رسد که اگر شواهد کافی فراهم آید، می‌توان از یافته‌های علمی (تجربی) سخن گفت. این یافته‌ها علمی است؛ زیرا از بوته تجربه بیرون آمده است؛ دینی است؛ زیرا رنگ تعلق به پیش‌فرضی دینی دارد؛ از ساختاری همگن و یکپارچه برخوردار است؛ زیرا فرضیه‌ها در پرتوی پیشفرضی معین و به تناسب و اقتضای آن پیشفرض تحول یافته‌اند و سرانجام از این اتهام به دور است که دین را به آزمون و تجربه گرفته است؛ زیرا آنچه به آزمون گرفته می‌شود، فرضیه‌های ما است که ملهم از افکار دینی است، نه خود افکار دینی. برخی از این گونه فرضیه‌های ما می‌تواند بر خطا باشد و برخی دیگر می‌تواند به شواهدی تجربی مستظهر شود (باقری، ۱۳۹۰: ۲۵۱ و ۲۵۲).

در این رویکرد از ابتدا سعی می‌شود نظر اسلام در مورد مدیریت و متغیرهای مختلف بیان، و

سپس با روش تحقیق در اسلام، مدیریت بر مبنای اسلام بنا و تأسیس شود. نظریه‌پردازی مستقل از نظریه‌های موجود صورت می‌پذیرد. البته این رویکرد هم شامل کسانی است که مدیریتهای غیر اسلامی و الگوهای موجود را اصلاً قبول ندارند و معتقدند که چیز مفیدی در این نظریه‌ها یافت نمی‌شود و هم شامل کسانی می‌شود که این‌گونه فکر نمی‌کنند و یکسره نظریه‌های موجود را کنار نمی‌گذارند؛ لیکن مدیریت را در غرب منحصر نمی‌دانند که البته نگرش دوم، متعادل است (نجاری، ۱۳۸۵: ۷۷).

به عنوان نتیجه‌گیری می‌شود بیان کرد که رویکرد تأییدی و تهذیبی نسبت به علوم رایج، منفعلانه است و دین را تابع علم می‌داند در صورتی که رویکرد استنباطی، علم را تابع دین و رویکرد تأسیسی بینابینی است که نه دین را تابع علم و نه علم را تابع دین می‌داند. این رویکرد بیان می‌کند که اگر فرضیه‌ها و نظریه‌هایی بر اساس پیشفرضهای اسلامی و به شیوه‌های تجربی تدوین شود، علم دینی شکل خواهد گرفت. این رویکرد دارای دو سطح است: در سطح اول، سؤالاتی که در علوم مدیریت وجود دارد به دین عرضه، و پاسخ آن از متون دینی استخراج می‌شود. در سطح بالاتر سؤالات جدیدی طرح می‌گردد که در علم مدیریت رایج هنوز مطرح نشده است و پس از عرضه به دین، پاسخهای آن استخراج می‌گردد. مجموعه متناسب و به هم پیوسته این پاسخها علم مدیریت اسلامی را شکل می‌دهد (نجاری، ۱۳۸۷).

رویکرد تطبیقی

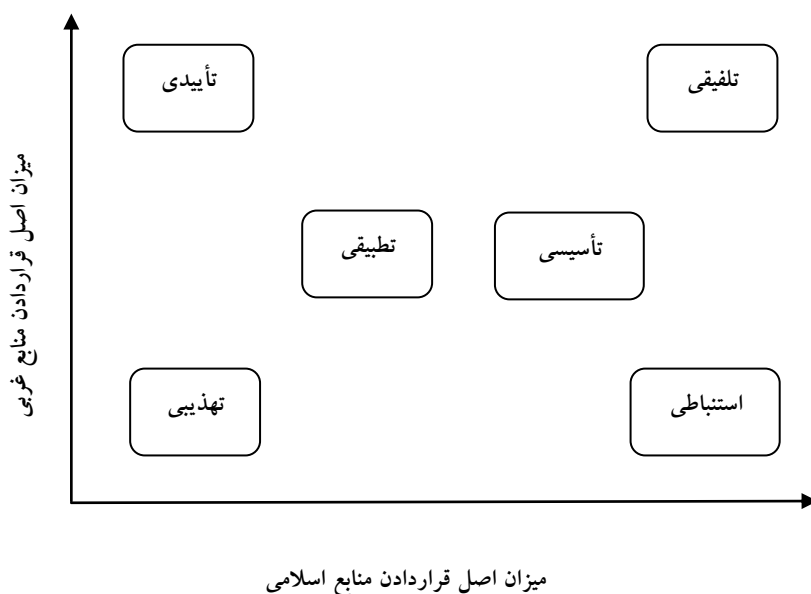
در این رویکرد بین مدیریت اسلامی و مدیریت غربی در ابعاد متغیرهای مختلف، مقایسه صورت می‌گیرد که این مقایسه به منظور شناخت اشتراکات و تشابهات و نیز اختلافات و مغایرتها و تجزیه و تحلیل آنها، هم در سطح خرد و هم در سطح کلان انجام می‌شود که با نظریه‌پردازی و شکل‌گیری الگوهای سازگار با اسلام در آینده این مقایسه بهتر و بیشتر می‌تواند صورت پذیرد (نجاری، ۱۳۸۵: ۷۷).

رویکرد تلفیقی

در این رویکرد از همه رویکردهای قبلی یعنی تأسیسی، تطبیقی و انطباقی استفاده می‌شود. در این رویکرد پژوهشگر مسلمان، خود باور، نقاد و پذیرنده حق است که هم به ایجاد و تأسیس نظریه‌ها و الگوهای منطبق با مفروضات بنیادین می‌پردازد و هم از نظریه‌ها و الگوهای مختلف موجود استفاده می‌کند این محقق نه چنان خود باخته است که همه چیز غرب را صحیح پندارد و نه

چنان دگم و محدود فکر که همه چیز غرب را ناصحیح شمارد. در اینجا نیز یک رویکرد تلفیقی منفی وجود دارد که شامل کسانی است که سعی در تلفیق اسلام با نظریه‌ها و الگوهای غربی یا شرقی دارند که این افراد، همه اسلام را قبول ندارند و فقط بخشی از آن را می‌پذیرند و با نظریات دیگر مخلوط می‌کنند که امروزه به التقاطی معروفند و در قرآن هم مورد سرزنش قرار گرفته‌اند و خواری در دنیا و اشد عذاب به آنها وعده داده شده است (بقره/ ۸۱؛ نجاری، ۱۳۸۵: ۷۸).

برای اینکه روابط و جایگاه هر کدام از این رویکردها مشخص شود، لازم است این رویکردها طبقه‌بندی گردد. برای این کار یک نمودار دو محوری در نظر گرفته می‌شود که در محور افقی، میزان اصل قرارداد اسلامی و در محور عمودی میزان اصل قرارداد منابع غربی آورده شده است. بر این اساس هر کدام از این رویکردها در قسمت خاصی از نمودار به صورت ذیل قرار می‌گیرد:



نمودار ۳: طبقه‌بندی رویکردهای مدیریت اسلامی مبتنی بر ساختار یا منشأ نظری یا موضوع

دیدگاه دوم: تقسیم‌بندی رویکردها از لحاظ منابع و ابزار شناخت

ایدئولوژیها زاده جهان‌بینی‌ها هستند و جهان‌شناسیها زاده شناخت‌شناسیها هستند؛ پس باید قبل

از هر چیز شناخت‌شناس بود تا جهان‌شناس شد. یکی از مسائل شناخت، منابع و ابزار شناخت است (مطهری، ۱۳۹۰: ۳۶ و ۳۷). منظور از منبع، قلمرو و مواردی است که مورد مطالعه و شناخت قرار می‌گیرد. به عقیده فلاسفه اسلامی سه منبع شناخت وجود دارد: طبیعت و تاریخ، عقل و عقلیات، قلب و دل؛ اما ابزار شناخت طبیعت، حس و تجربه است. ابزار شناخت عقل، استدلال منطقی و برهان است و ابزار شناخت دل، تزکیه نفس است. البته راه شناخت دیگری به نظر الهیون وجود دارد که وحی می‌باشد؛ پس ما شناخت حسی، تجربی، عقلی، معرفت‌شهودی (حضوری) و از طریق وحی داریم (مطهری، ۱۳۹۰: ۳۵ تا ۶۶).

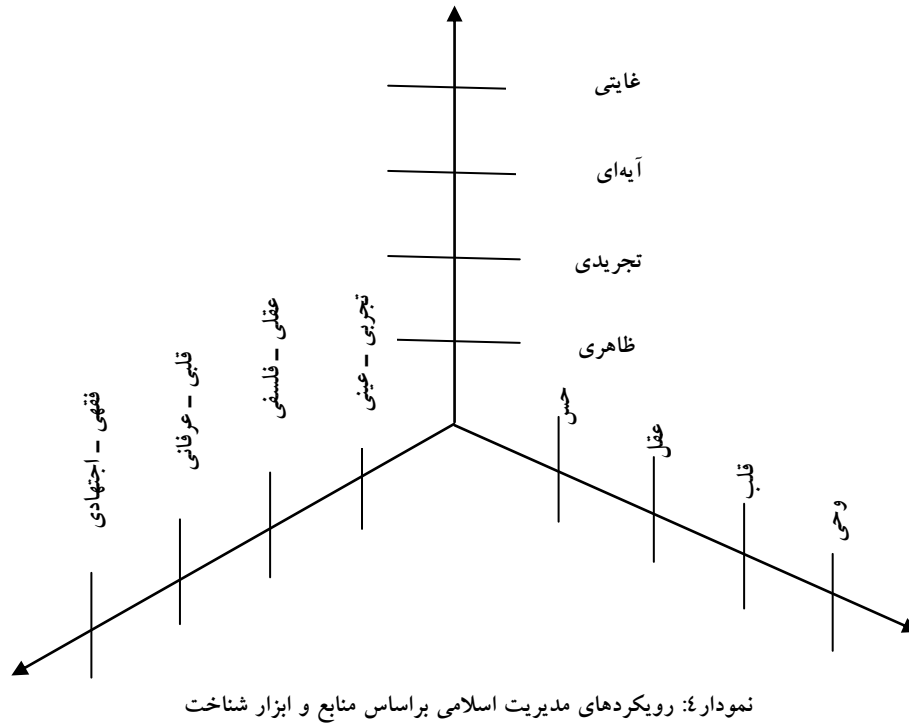
بر اساس این منابع شناخت، چهار رویکرد وجود خواهد داشت: رویکرد علمی با روش تجربی، رویکرد فلسفی با روش تعقلی، رویکرد عرفانی با روش شهودی و رویکرد دینی با روش تعبدی. نوع شناخت مبتنی بر طبیعت، شناخت حسی است. نوع شناخت مبتنی بر عقل، عقلی است. نوع شناخت مبتنی بر دل، قلبی است و نوع شناختی که منبعش وحی است، وحیانی است. در شناخت حسی، ابزار شناخت حواس است، در نوع شناخت عقلی، ابزار شناخت، استدلال منطقی و برهان است. در نوع شناخت قلبی، ابزار شناخت، تزکیه نفس است. ابزار شناخت وحیانی کتاب و سنت است. روش شناخت در شناخت حسی، روش تجربی، در نوع شناخت عقلی، تعقلی، در نوع شناخت قلبی، شهودی و در نوع شناخت وحیانی، تعبدی است. شیوه معمول شناخت در نوع شناخت حسی، استقرایی، در نوع شناخت عقلی، قیاسی، در نوع شناخت قلبی، سلوکی و در نوع شناخت وحیانی، استنباطی است. قلمروی اصلی در نوع شناخت حسی، «علم» و در نوع شناخت عقلی، «فلسفه»، در نوع شناخت قلبی، «عرفان» و در نوع شناخت وحیانی، «دین» است. با توجه به این منابع چهارگانه شناخت، چهار رویکرد قابل تصور است که عبارت است از: رویکرد فلسفی - تعقلی، رویکرد عرفانی - شهودی، رویکرد علمی - تجربی و رویکرد دینی - تعبدی. سطوح شناخت این رویکردها نیز متفاوت است. سطوح شناخت در نوع شناخت حسی، ظاهری، در عقل انتزاعی، در قلب آیه‌ای و در وحی غایتی است. هم‌چنین منشأ شناخت در رویکرد فلسفی - تعقلی و عرفانی - شهودی در خود فرد است؛ اما در رویکرد علمی - تجربی و رویکرد دینی - تعبدی منشأ شناخت بیرون از خود یا فرا خود است. از نظر نفوذ و اعتبار رویکردهای عرفانی - شهودی و دینی - تعبدی جزمیت و نفوذ بیشتری دارد و رویکردهای فلسفی - تعقلی و علمی - تجربی نفوذ و جزمیت کمتری دارد (نجاری، ۱۳۸۷).

این مطالب را به صورت خلاصه می‌توان در یک جدول بیان کرد:

جدول ۲: مقایسه رویکردها از لحاظ منابع و ابزار شناخت

منابع شناخت	طبیعت	عقل	دل	وحی
نوع شناخت	حسی	عقلی	قلبی	وحيانی
ابزار شناخت	تجربه و حواس	استدلال منطقی و برهان	تزکیه نفس	کتاب و سنت
روش شناخت	تجربی	تعقلی	شهودی	تعبدی
شیوه معمول	استقرایی	قیاسی	سلوکی	استنباطی
قلمروی اصلی	علم	فلسفه	عرفان	دین
نوع رویکرد	علمی - تجربی	فلسفی - تعقلی	عرفانی - شهودی	دینی - تعبدی
سطوح شناخت	حسی	انتزاعی	آیه‌ای	غایتی
منشأ شناخت	بیرون از خود	در خود	در خود	بیرون از خود
میزان جزمیت	جزمیت کمتر	جزمیت کمتر	جزمیت بیشتر	جزمیت بیشتر

رویکردهای مبتنی بر منابع شناخت از دو بعد تشکیل شده است: بعد اول به انسان و مراتب شناخت او مربوط است که به صورت چهار رویکرد معرفتی منعکس شده است: رویکرد حسی (که متناسب با ابزار حس در ادراک، اصالت را به تجربه می‌دهد)؛ رویکرد عقلی (که متناسب با ابزار عقل و اصالت آن مطرح شده است)، رویکرد قلبی (که متناسب با ابزار قلب و تمرکز بر آن موضوعیت یافته است) و رویکرد وحيانی (که با تکیه بر منبع وحی و اصالت آن مطرح شده است). بعد دوم به موضوع شناخت و لایه‌های وجودی آن و سطوح مختلفی مربوط است که متعلق معرفت انسان در رویکردهای معرفتی قرار می‌گیرد. این سطوح عبارت است از: سطح ظاهری (که به ابعاد فیزیکی شیء مربوط، و با ابزار حسی و تجربی قابل شناسایی است)، سطح انتزاعی (که به شناخت مفهومی و متعلق شناخت فلسفی مربوط است)، سطح آیه‌ای (که به ماهیت اشیا به این دلیل که آیه و نشانه خداوند است اشاره دارد و متعلق شناخت عرفانی است) و سطح غایتی (که به هدفداری و مخلوق بودن امور اشاره دارد و متضمن رشد و کمال و درک وحيانی است). الگوی مفهومی مطالعه رویکردها در مدیریت اسلامی بر اساس این ابعاد در نمودار ذیل ترسیم شده است (امیری، ۱۳۸۶: ۱۴۷ و ۱۴۸):



روش اجتهاد جامع

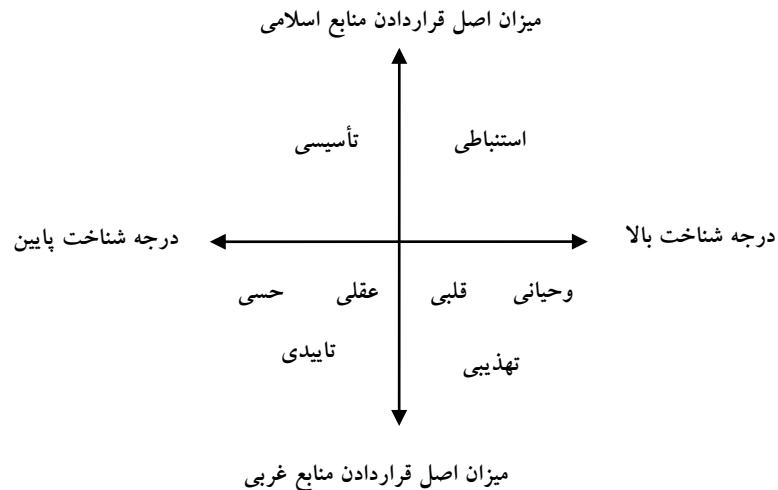
رویکرد اجتهاد جامع با رویکرد فقهی - اجتهادی متفاوت است. این رویکرد بیان می‌کند که عالم مدیریت اسلامی باید هم با مبانی مدیریت غربی و هم با مبانی مدیریت اسلامی، و در واقع با حوزه‌های مختلف مدیریت و حیطه‌های متفاوت مرتبط با این حوزه آشنا باشد و در عین حال بتواند با توجه به منابع اسلامی، مسائل مختلف مدیریتی را حل کند و یا حیطه‌های جدیدی را در این زمینه بگشاید و این کار، اجتهادی است؛ البته نه به معنای اجتهاد فقهی که فقط مدیریت را از لحاظ فقهی می‌نگرد. مجتهد مدیریت اسلامی باید بتواند بر حوزه‌های مختلف مدیریتی تسلط یابد و با نگاه اسلامی و با روش صحیح به قبض و بسط آنها پردازد؛ به عنوان مثال او باید برای رضایت شغلی از طریق حوزه‌های مختلف در مدیریت مثل روانشناسی، رفتار سازمانی، منابع انسانی و بحث‌های اسلامی مرتبط در این حوزه به موضوع نگاه، و سپس با روش اجتهادی مناسب راه‌های خود را ارائه کند. لازم به ذکر است که اجتهاد روش کلی جاری در حوزه‌های علمیه شیعه است. اجتهاد در مدیریت اسلامی بر اجتهاد جامع در منابع تکوینی و تشریحی ناظر است که همه عرصه‌های اعتقادی

و الزامات عرفانی، اخلاقی و فقهی - حقوقی را در بر می‌گیرد و دستاوردهای آن، همه عرصه‌های توصیفی و تجویزی علم مدیریت را شامل می‌شود. روش تحقیق در اجتهاد جامع بر اصول و قواعد استنباط مبتنی است که این روشها شامل روش نقلی، عقلی، تجربی و شهودی است. هم‌چنین در ترکیب عوامل اجتهاد جامع نسبت به هر مسئله در حوزه مدیریت اسلامی از همه و یا بعضی از منابع، ابزارها و روشهای متعدد نقلی و حیانی، عقلی، تجربی و شهودی به تناسب مورد، استفاده می‌شود (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۱۵ تا ۱۲۰).

تعریف پیشنهادی «اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی» به این قرار است:

«اجتهاد جامع، روش جامع نقلی و حیانی، عقلی، تجربی و شهودی است که با مراجعه به منابع تکوینی و تشریحی و با تکیه بر مبانی مدیریت اسلامی، پاسخ‌های معتبر برای مسائل مدیریت اسلامی ارائه می‌کند» (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۵: ۶۸).

برای طبقه‌بندی مطالعات مدیریت اسلامی از دیدگاه قیاسی می‌توان با ترکیب رویکردها بر اساس این الگو عمل کرد. این الگو دو بعد و دو محور عمودی و افقی دارد. در محور عمودی در یک سر طیف میزان اصل قرار دادن منابع غربی و در سر دیگر طیف میزان اصل قرار دادن منابع اسلامی قرار دارد. در محور افقی بر اساس منابع و ابزار شناخت در یک سر طیف، منبع شناخت حسی قرار دارد که پایین‌ترین درجه شناخت را داراست و در سر دیگر طیف منبع شناخت و حیانی قرار دارد که بالاترین درجه شناخت را دارد. با توجه به این مسئله الگوی طبقه‌بندی مطالعات مدیریت اسلامی از دیدگاه قیاسی به صورت ذیل قابل ترسیم است:



نمودار ۵: الگوی طبقه‌بندی رویکردها از دیدگاه قیاسی

لازم به ذکر است که رویکرد تطبیقی و تلفیقی و هم‌چنین روش اجتهاد جامع با توجه به موضوع و روش اجرا می‌تواند در هر جای این الگو قرار گیرد. هم‌چنین جایگاه رویکرد تأسیسی و استنباطی به دلیل توجه به تجربه مشخص شده است؛ چرا که همان‌طور که بیان شد، رویکرد استنباطی به تجربه توجهی ندارد که حاصل شناخت حسی و عقلی است در صورتی که رویکرد تأسیسی قائل به تجربه کردن یافته‌هاست.

رویکردهای مدیریت اسلامی از دید استقرایی

رویکردهای مدیریت اسلامی از دید استقرایی یعنی بر اساس محتوای آثار مدیریت اسلامی نیز قابل بررسی است. از این دیدگاه پژوهش‌های مدیریت اسلامی از دو بعد یعنی بر اساس محتوا و غایت پژوهش به لحاظ رویکردی قابل تقسیم‌بندی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

دیدگاه اول: تقسیم‌بندی رویکردها از لحاظ محتوای موضوع و نظریه

رویکرد رشد

استاد شهید مرتضی مطهری این نظریه را مطرح کرده‌اند. ایشان رشد را اساس مدیریت دانسته‌اند. در کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر و نیز مقاله امامت و رهبری در اسلام آمده است: رهبری و مدیریت خود مستلزم نوعی از بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌های مادی و معنوی است که در اختیار انسان قرار داده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۴۳ تا ۱۷۳؛ مطهری، ۱۳۶۳: ۲۳۵). در

این پژوهش نظر نویسنده این است که رویکرد رشد، رویکردی مشخص در مطالعات مدیریت اسلامی نیست و لذا در طبقه‌بندی نهایی رویکردها این عنوان لحاظ نشده است.

رویکرد اصولگرایی

در این رویکرد افراد به بررسی اصول مدیریت در اسلام پرداخته، و برخی اصول را مطرح کرده، و به بررسی آن در منابع تحقیق اسلامی پرداخته‌اند (نجاری، ۱۳۸۵: ۷۹). در این رویکرد با توجه به آیات و روایات و سنت ائمه، اصولی برای مدیریت استخراج، و بیان می‌شود که این اصول باید مدنظر، و پایه مدیریت مدیران قرار گیرد.

رویکرد اخلاقی - ارزشی (اخلاق‌گرا)

در این رویکرد افراد به نقش ارزشهای اسلامی و کمتر به مدیریت ارزشی و بیشتر به اخلاق مدیران مسلمان پرداخته‌اند و ویژگیهایی را که از نظر اخلاقی، هر مدیر باید دارا باشد، فهرست کرده، و به بحث و بررسی آن پرداخته‌اند (نجاری، ۱۳۸۵: ۷۹). در این رویکرد سعی می‌شود که مدیریت از لحاظ اخلاقی و مسائل آن بررسی شود؛ به عنوان مثال ویژگیهای اخلاقی مدیر و چگونگی رفتار او با دیگران در این رویکرد مطرح می‌گردد.

رویکرد صفت و وظیفه‌گرایی

افراد در این رویکرد بیشتر به وظایف مدیران اسلامی پرداخته، و وظایفی را برای آنان بر شمرده‌اند که از متون اسلامی بر گرفته‌اند (نجاری، ۱۳۸۵: ۷۹). در این رویکرد وظایف و صفات و ویژگیهای مدیر از دیدگاه اسلامی بررسی، و تلاش می‌شود تا با توجه به منابع اسلامی صفات، ویژگیها و وظایفی استخراج گردد که برای مدیر و مسئول تعیین شده است.

رویکرد نظام حکومتی و اداری (حاکمیت‌گرا)

البته رویکردهای دیگری نظیر رویکرد نظام حکومتی و اداری نیز بیان شده است که بیشتر به بحث در مورد حکومت اسلامی و ویژگیها و وظایف آن می‌پردازد (سلگی، ۱۳۷۷: ۵۸؛ نجاری، ۱۳۸۵: ۷۵).

تخصصی‌گرا

در این رویکرد تلاش بر این است که حوزه خاصی از موضوعات مربوط به مدیریت با رویکرد اسلامی مورد بررسی قرار گیرد؛ به عنوان مثال بهره‌وری، که یکی از مباحث کلیدی در مدیریت است با رویکرد اسلامی تبیین می‌شود.

الگوگرا

در این رویکرد سیره مدیر اسلامی یا سازمان اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بیشتر موارد، این مدیر از ائمه انتخاب می‌شود که عمدتاً هم شیوه پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این رویکرد بررسی الگو و الگوسازی آن برای جامعه مد نظر است و این الگو می‌تواند شخص، سازمان، برنامه و یا مواردی از این دست باشد.

مبانی‌گرا

در این رویکرد به بحث‌های بنیادینی در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته می‌شود که شامل مباحث فلسفی، روش‌شناختی، بحث‌های عمیق معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و... است.

منبع‌گرا

در برخی از آثار سعی شده است که نکته‌های مدیریتی از منبع خاصی استخراج شود. در واقع در این آثار ابتدا یک منبع اسلامی و دینی مانند قرآن، نهج البلاغه و یا متون تاریخی و یا متون ادبی و... انتخاب می‌شود؛ سپس نکات مدیریتی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین ممکن است فقط بخشی از این منابع مورد بررسی قرار گیرد.

فقهی‌گرا

آثار نوظهوری به صورت محدود در حوزه مدیریت اسلامی در حال تدوین است که به مدیریت از لحاظ فقهی نگاه می‌کند. در این آثار مسائل مدیریتی در قالب فقه بررسی می‌شود و فعل مکلف سازمانی را برای مدیران و کارکنان در قالب احکام پنج‌گانه (واجب، مستحب، مکروه، حرام، مباح) مشخص می‌کنند.

ترکیبی

آثاری هست که تنها با یک رویکرد به مدیریت اسلامی پرداخته است بلکه چند رویکردی است؛ به عنوان مثال هم به بیان وظایف مدیران می‌پردازد و هم مباحث خاصی مثل رهبری را مطرح می‌کند که ترکیب دو رویکرد وظیفه‌گرا و تخصصی‌گراست.

مثالهایی از هر یک از رویکردها در قالب جدول ذیل ارائه می‌شود. البته دسته‌بندی تمام منابع در این رویکردها در این مقاله امکانپذیر نیست و تنها به چند مورد از هر کدام اکتفا می‌شود.

جدول ۳: رویکردها و منابع مرتبط

رویکردها	عنوان کتاب	نام نویسنده
اخلاق‌گرا	اخلاق مدیریت در اسلام	محمد محمدی ری شهری
	اخلاق مدیریت	علی اصغر الهامی نیا
	ارباب امانت و اخلاق اداری در نهج البلاغه	مصطفی دلشاد تهرانی
اصول‌گرا	اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن	ولی الله نقی پورفر
تخصصی‌گرا	بهره‌وری در پرتوی اسلام	حسین بافکار
	رفتار سازمانی در نگاه مدیریت سازمانی	غلامرضا ویسی - محمدعلی سوادی
	قدرت در مدیریت اسلامی	محمد مهدی نادری قمی
الگوگرا	سیره پیامبر در رهبری و انسان‌سازی	شیخ سالم الصفار ترجمه غلامحسین انصاری
	سلوک مدیریت از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام	علی اصغر رشید گز کوه
مبانی‌گرا	پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی	آیت الله محمد تقی مصباح یزدی
	مبانی مدیریت اسلامی	رضا نجاری
منبع‌گرا	قرآن، مدیریت و علوم سیاسی	محسن عباس نژاد
	امام علی (ع) و مدیریت	محمد دشتی
	فرمان حکومتی پیرامون مدیریت	محمود قوچانی
صفت و وظیفه‌گرا	مدیریت و فرماندهی در اسلام	آیت الله ناصر مکارم شیرازی
	مدیریت و ویژگیهای مدیران نمونه از دیدگاه قرآن	مطهره تهامی
	مدیریت در اسلام	علی آقا پیروز، ابوطالب خدمتی، عباس شفیعی، سید محمود بهشتی نژاد زیر نظر مهدی الوانی
فقهی‌گرا	فقه الاداره	صمصام الدین قوامی
نظام حکومتی و اداری	مختصات حکومت حق‌مدار در پرتوی نهج البلاغه	علی اصغر پور عزت
	علی علیه‌السلام	
ترکیبی	مدیریت اسلامی از دیدگاه قرآن، نهج البلاغه و روایات	فخرالسادات نصیری
	اصول و متون مدیریت در اسلام	محمد حسین مشرف جوادی

هم‌چنین با تحلیل محتوای آثار موضوعاتی که در ذیل هر کدام از رویکردها بررسی شده به صورت اجمالی در جدول ۴ ذکر شده است:

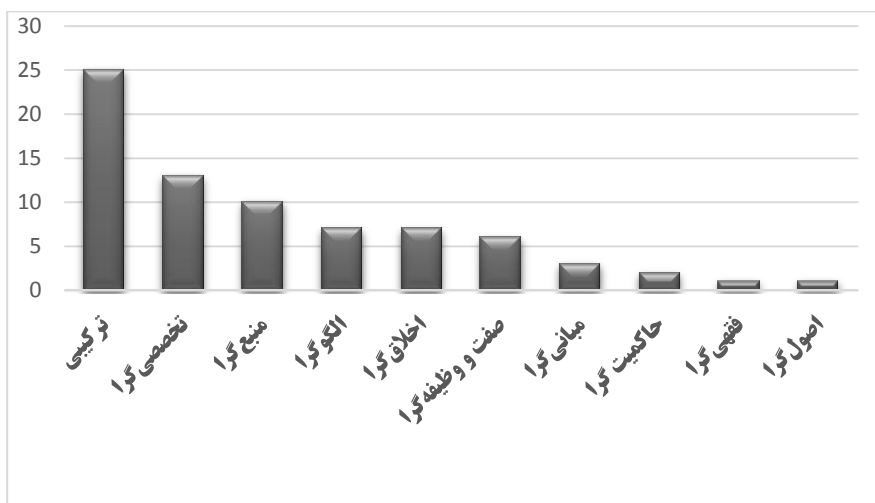
جدول ۴: رویکردها و موضوعات مرتبط

موضوعات	رویکردها
اخلاص و خدمت خالصانه، پرهیز از منت‌گذاری، پرهیز از عجب، سعه صدر، نقش تهذیب در ساماندهی کارها، حساسی از منصبداران در قیامت، جبران کوتاهی و گناه (توبه)، تقوای الهی و ضرورت عمل صالح، مدیران و سلوک معنوی، اخلاق کارگزاران، اصول اخلاق مدیریت، آفات اخلاق سازمانی، شیوه رفتار با فرادستان و فرودستان، شرح صدر و مدیریت، عوامل و نشانه‌های شرح صدر اسلامی، مبانی اخلاق اداری، اصول اخلاق اداری، عبادت مدیران و سرپرستان،	اخلاق‌گرا
اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن مانند عدم تقدم بر خدا و رسول، آخرتگرایی، اصل وحدت و هماهنگی، اعمال مدیریت بر اساس اختیار نیروها، اعمال مدیریت بر اساس بصیرت نیروها	اصولگرا
مباحث تخصصی مانند بررسی دیدگاه اسلام در مورد از خود بیگانگی، بهره‌وری در اسلام، ارتباطات سازمانی در اسلام، قدرت در سازمان با رویکرد اسلامی، تعارض در سازمان با رویکرد اسلامی، انگیزش در اسلام، نقش مساجد در اداره کارهای عمومی، رفتار سازمانی در اسلام، نظارت و کنترل از دیدگاه اسلام و...	تخصصی‌گرا
اصول مدیریت از دیدگاه امام علی(ع)، جایگاه مدیریت از دیدگاه علی علیه السلام، سیره رهبری پیامبر اکرم(ص)، الگوهای رفتاری - مدیریتی شهید زین الدین، شیوه‌های رفتاری مدیران در سیره امام علی(ع)، شیوه‌های رهبری و مدیریت امام علی(ع)	الگوگرا
وجوه تمایز مدیریت اسلامی با دیگر مکاتب، مبانی مدیریت اسلامی، انسان در دیدگاه اسلامی، فلسفه توحیدی در مدیریت اسلامی، ماهیت سازمان و مدیریت، جایگاه فقه‌های قرآن در پژوهشهای مدیریت اسلامی، رابطه علم و دین، کاربرد فطرت در علوم انسانی، تراحم منافع در مدیریت مادی، مفروضات اساسی در مدیریت اسلامی، اصول و مبانی فلسفی در مدیریت اسلامی، روش‌شناسی در مدیریت اسلامی، جهان‌بینی اسلامی و نقش آن در مدیریت اسلامی	مبانی‌گرا
نامه‌های حضرت علی(ع) به حکام و کارگزاران، مدیریت صحیح در نهج البلاغه، استخراج نکات مدیریتی کتاب اصول کافی، کارآمدی و کارایی اندیشه امام علی علیه السلام، سبب اصل در مدیریت اسلامی بر اساس قرآن کریم، سیمای مدیر موفق در سوره یوسف، مدیریت راستین در قرآن کریم، نکات مدیریتی در نهج البلاغه، مدیریت در فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر	منبع‌گرا
صفات، ویژگیها و وظائف مدیران اسلامی	صفت و وظیفه‌گرا
منابع فقهی مدیریت اسلامی، مصلحت از دید فقه، رشوه از دید فقه	فقهی‌گرا
دلایل ضرورت حکومت اسلامی، راهکارهای افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، حقوق متقابل مردم و رهبری و حاکمیت، وظایف و تکالیف دولتها، اهداف حکومتی امیر المؤمنین(ع)	حاکمیت‌گرا
ترکیب موضوعات مختلف از جمله حاکمیت‌گرا و منبع‌گرا مانند ویژگیهای حکومت حق‌مدار در پرتوی نهج‌البلاغه	ترکیبی

هم‌چنین تعداد منابع در هر کدام از این رویکردها در جدول و نمودار ذیل ذکر شده است:

جدول ۵: تعداد منابع بر اساس رویکردها

تعداد منابع	رویکردها
۲۵	ترکیبی
۱۳	تخصصی‌گرا
۱۰	منبع‌گرا
۷	الگوگرا
۷	اخلاق‌گرا
۶	صفت و وظیفه‌گرا
۳	مبانی‌گرا
۲	حاکمیت‌گرا
۱	فقهی‌گرا
۱	اصولگرا

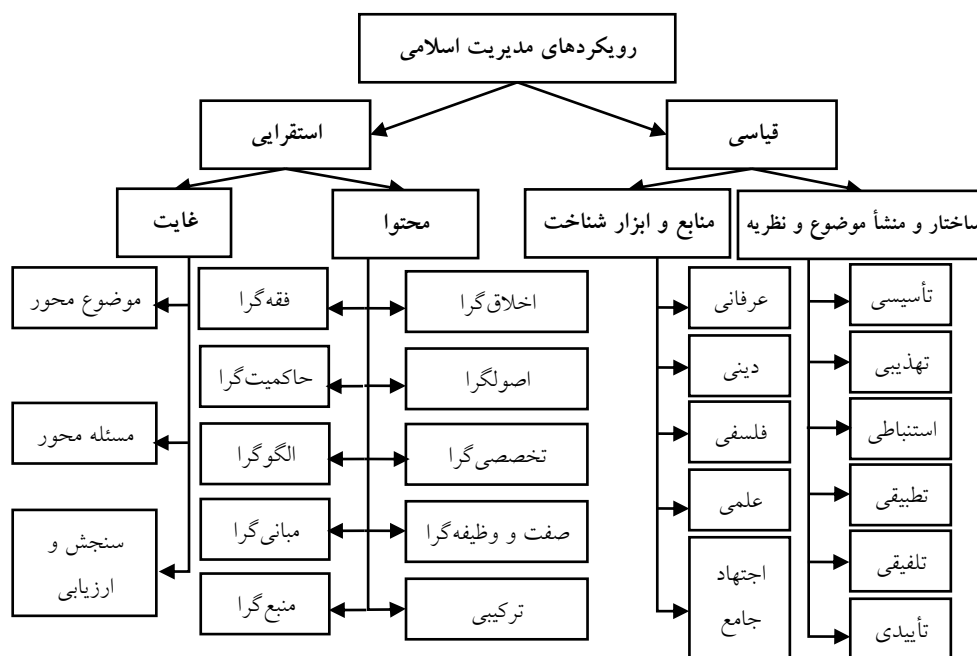


نمودار ۶: نمودار آماری منابع و رویکردها

لازم به ذکر است که در برخی از منابع، عنوان کتاب با محتوای کتاب تفاوتی داشت؛ به عنوان مثال در برخی از کتابها، که عنوان اصول و الگوهای مدیریت اسلامی ذکر شده بود، مباحث مختلفی غیر از اصول مدیریت اسلامی ذکر شده بود که این موارد ذیل رویکرد ترکیبی ذکر شد.

دیدگاه دوم: تقسیم‌بندی رویکردها بر اساس غایت پژوهش

مطالعات و پژوهشهای مدیریت اسلامی بر اساس غایت پژوهش، گروه‌بندیهای متفاوتی به خود می‌گیرد. هدف غایت پژوهش برخی از این پژوهشها این است که در مورد یک موضوع جدا از اینکه در ارتباط با مسئله‌ای کاربردی باشد یا نه، پژوهشی صورت گیرد. بنابراین، این پژوهشها از لحاظ غایت پژوهش، موضوع‌محور است. در مقابل، پژوهشهایی هم هست که در تلاش برای حل و یا راه‌حلیابی برای مسئله‌ای خاص است که از لحاظ غایت پژوهش، مسئله‌محور است. علاوه بر این دو قسم، پژوهشهایی نیز هست که به یک موضوع و یا یک مسئله نمی‌پردازد بلکه در پی سنجش و ارزیابی یک مفهوم مثل تقوا در سازمان و یا یک سازمان و یا یک برنامه و مواردی از این دست است که این پژوهشها از لحاظ غایت پژوهش به دنبال سنجش و ارزیابی است. یافته‌های این پژوهش، مشخص شد که اغلب پژوهشهای مدیریت اسلامی موضوع‌محور است و گونه دیگر پژوهشها مورد اقبال کمتر پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه صورت گرفته است. با توجه به مطالب مقاله، می‌توان رویکردهای مختلف را نسبت به مدیریت اسلامی به‌طور خلاصه در یک نمودار نشان داد.



نمودار ۷: جمع‌بندی رویکردهای مدیریت اسلامی

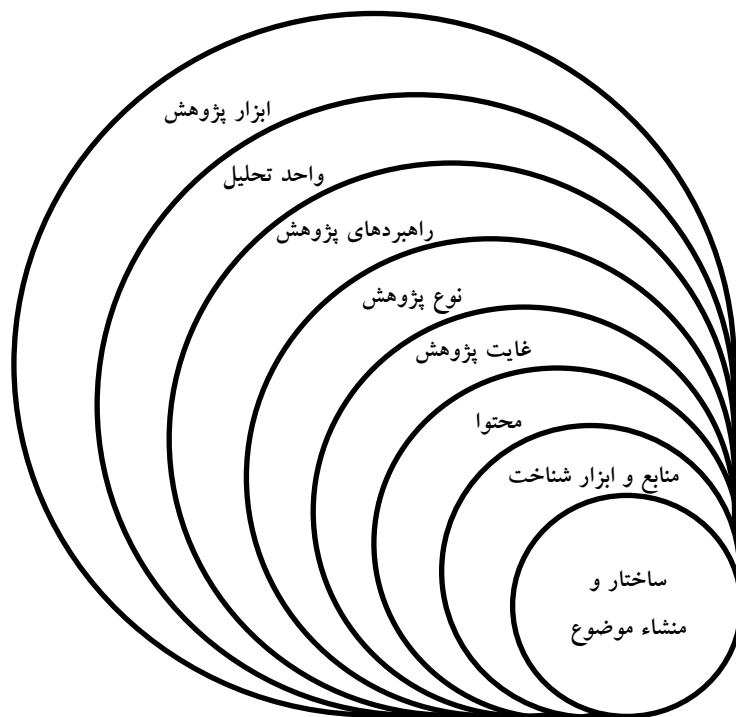
منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی

براساس یافته‌های این پژوهش، منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی در ادامه پیشنهاد می‌شود. در مباحث روش تحقیق، بحثی با عنوان پیاز پژوهش برای چارچوب‌بندی پژوهشها مطرح می‌گردد که در آن مبانی فلسفی پژوهش، جهتگیریهای پژوهش، رویکردهای پژوهش، نوع پژوهش، صبغه پژوهش، راهبرد پژوهش، اهداف پژوهش و شیوه‌های گردآوری داده‌ها مشخص می‌گردد (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۰). در این پژوهش عنوان منظومه پژوهشی برای چارچوب‌بندی و نظام‌مند کردن پژوهشها و مطالعات مدیریت اسلامی بر اساس الگوی ذیل در هشت مدار و لایه پیشنهاد می‌شود:

- ۱ - مدار و لایه اول: پژوهشها و مطالعات مدیریت اسلامی از لحاظ ساختار و منشأ موضوع در قالب پژوهشهای تأییدی، تهذیبی، استنباطی، تأسیسی، تطبیقی و تلفیقی قابل طبقه‌بندی است.
- ۲ - مدار و لایه دوم: پژوهشها و مطالعات مدیریت اسلامی از لحاظ منابع و ابزار شناخت در قالب پژوهشهای علمی، فلسفی، عرفانی و دینی و اجتهاد جامع قابل طبقه‌بندی است.
- ۳ - مدار و لایه سوم: پژوهشها و مطالعات مدیریت اسلامی از لحاظ محتوا در قالب پژوهشهای اصولگرا، اخلاقگرا، صفت و وظیفه‌گرا، مبانی‌گرا، تخصصی‌گرا، الگوگرا، منبع‌گرا، فقهی‌گرا، حاکمیت‌گرا و ترکیبی قابل طبقه‌بندی است.
- ۴ - مدار و لایه چهارم: پژوهشها و مطالعات مدیریت اسلامی از لحاظ غایت پژوهش در قالب پژوهشهای موضوع‌محور، مسئله‌محور و پژوهشهایی برای سنجش و ارزیابی قابل طبقه‌بندی است.
- ۵ - مدار و لایه پنجم: پژوهشها و مطالعات مدیریت اسلامی از لحاظ نوع پژوهش در قالب پژوهشهای کمی، کیفی و ترکیبی قابل طبقه‌بندی است.
- ۶ - مدار و لایه ششم: پژوهشها و مطالعات مدیریت اسلامی از لحاظ راهبردهای پژوهش عمومی مثل پیمایش، همبستگی، تجربی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، تاریخی، شیوه‌های ترکیبی، اقدام پژوهی و مطالعه موردی و یا راهبردهای خاص مدیریت اسلامی مثل قرآن‌پژوهی، اجتهادی و... قابل طبقه‌بندی است که این راهبردهای خاص نیازمند پژوهشهای مستقل است.
- ۷ - مدار و لایه هفتم: پژوهشها و مطالعات مدیریت اسلامی از لحاظ واحد تحلیل در واحد تحلیلهای کلان یعنی بین‌المللی، جهان اسلام، ملی، صنعت/ اجتماع، و واحد تحلیلهای خرد یعنی سازمان، گروه و خرد قابل طبقه‌بندی است.

۸- مدار و لایه هشتم: در پژوهشها و مطالعات مدیریت اسلامی از لحاظ ابزار پژوهش می‌توان از ابزارهای مشاهده (عینی و شهودی)، مصاحبه، پرسشنامه و اسناد و مدارک به منظور گردآوری داده‌ها استفاده کرد.

منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی به صورت ذیل قابل ترسیم است:



نمودار ۸: منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی

لازم به ذکر است که پياز پژوهشی دانایی فرد و همکاران (۱۳۹۰) در هشت لایه و با عناوین و محتوای متفاوت با الگوی پیشنهادی این پژوهش است که البته اشتراکاتی هم بین آن دو هست. اشتراکات عمدتاً در لایه‌های آخر است ولی تفاوتها در بقیه موارد یا به دلیل ماهیت متفاوت مدیریت اسلامی و یا کاربرد کم آنها در این حوزه و یا به دلیل اهتمام نویسنده این مقاله در خلاصه کردن و ذکر موارد اصلی است. دلایل طراحی این منظومه پژوهشی به قرار ذیل است:

۱ - عنوان پیام پژوهش، چندان مناسب نیست و به نظر می‌رسد در فضای علمی و پژوهشی، عنوان منظومه پژوهشی مناسبتر باشد. هم‌چنین عنوان پیام پژوهش این مطلب را منتقل نمی‌کند که این نمودار، چارچوب نظام‌مند کردن مطالعات و پژوهشهاست در صورتی که عنوان منظومه، این مطلب را منتقل می‌کند بویژه اینکه منظومه شامل هسته مرکزی و مدارها و لایه‌هایی است که به صورت منظم در پیرامون آن شکل گرفته که نشان‌دهنده روابط منظم بین هسته و لایه‌ها و مدارهاست.

۲ - در پیام پژوهش مباحث اصلی و مبانی پژوهش از جمله پارادایمهای پژوهش در لایه‌های بیرونی، و مباحث فرعی از جمله شیوه‌های گردآوری اطلاعات در لایه‌های درونی ذکر شده است که به نظر می‌رسد این موضوع باید برعکس باشد؛ یعنی مباحث اصلی در لایه‌های درونی و مباحث فرعی در لایه‌های بیرونی ذکر گردد.

۳ - مبانی فلسفی پیام پژوهش شامل پارادایمهایی از جمله اثباتگرایی، تفسیری، انتقادی، فمینیست، آشوب، پیچیدگی و پست مدرنیست است که این پارادایمها با مطالعات مدیریت اسلامی سنخیتی ندارد و لذا لازم است که منطبق با مطالعات مدیریت اسلامی، مبانی متناسب با آن مطرح شود.

۴ - لازم به ذکر است که مواردی که شباهتهایی نیز با پیام پژوهش دارد، ممکن است به لحاظ محتوایی متفاوت باشد؛ به عنوان مثال در راهبردهای پژوهشی، راهبردهایی هست که خاص مدیریت اسلامی است و یا در قسمت ابزار پژوهش، مشاهده فقط شامل مشاهده عینی نمی‌شود بلکه مشاهده شهودی نیز در اینجا مطرح است.

۵ - یکی از مواردی که در پیام پژوهش ذکر نشده با اینکه نقش مهمی در پژوهش دارد، واحد تحلیل است؛ لذا لازم بود این مورد نیز اضافه شود.

به نظر می‌رسد این منظومه در دیگر علوم انسانی با رویکرد اسلامی با اعمال تغییراتی می‌تواند کاربرد داشته باشد و مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله تلاش شد رویکردهای مدیریت اسلامی به صورت قیاسی و استقرایی بررسی و

طبقه‌بندی گردد. پس از شناسایی رویکردها از دیدگاه قیاسی تلاش شد طبقه‌بندی و دسته‌بندی مناسبی از آنها صورت گیرد. از دید استقرایی هدف این بود که با بررسی کتابها و آثار، مدیریت اسلامی بررسی شود تا مشخص گردد که آیا این رویکردهایی که نویسندگان و اندیشمندان مطرح کرده‌اند واقعا در آثار موجود مشاهده می‌شود یا خیر. برای این کار ۷۵ کتاب مورد بررسی قرار گرفت که نتایج مهم ذیل را در برداشت:

۱- رویکردهای دیگری در آثار مانند الگوگرا وجود دارد که اصلا مطرح نشده است. در این رویکرد مؤلف می‌کوشد مباحث مدیریت اسلامی را از شیوه یک مدیر اسلامی مثل امام علی (ع) یا سازمان اسلامی مثل جهاد سازندگی استخراج کند.

۲- مشخص شد لزوما در یک اثر فقط از یک رویکرد خاص استفاده نشده و ممکن است یک اثر حاوی چندین رویکرد باشد که عنوان رویکرد ترکیبی برای آن در این پژوهش انتخاب شده است.

۳- برخلاف نتیجه اول، گاه اتفاق می‌افتد که رویکردی مطرح شده که در آثار اصلا ذکر نشده است. مثال بارز آن رویکرد رشد است که طبق نظر نویسندگان و اندیشمندان به عنوان یک رویکرد مطرح است در حالی در آثار مدیریت اسلامی با این رویکرد به مدیریت اسلامی پرداخته نشده است بلکه آنچه مطرح شده فقط تعریف شهید مطهری از مدیریت است. در واقع این مورد فقط یک تعریف از مدیریت است نه رویکردی نسبت به مدیریت اسلامی که موضوعات با این دید مطرح شود.

سؤال اینجاست که با چه رویکردی باید به مدیریت اسلامی نگاه کرد و کدام یک از این رویکردها بهتر می‌تواند ما را به مدیریت اسلامی نزدیک کند. جواب این سؤال "هیچ کدام از این رویکردها و در عین حال همه آنها" است. تک تک این رویکردها اجزای مدیریت اسلامی است اما همه مدیریت اسلامی نیست. لازم است اینها کنار هم گذاشته، و از ابعاد و رویکردهای مختلف به مدیریت اسلامی نگریسته شود. در واقع هر کدام از این رویکردها قسمتی از مجموعه مدیریت اسلامی است.

در واقع هر کدام از این رویکردها زاویه خاص، و معرفی خاص از مدیریت اسلامی را مطرح می‌کنند؛ لذا باید از همه آنها استفاده کرد و در یکی منحصر نشد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود پژوهشهای مستقل دیگری در زمینه تطبیق این

رویکردها با مطالعات و پژوهشهای مدیریت اسلامی انجام شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود که در تبیین روش پژوهشهای مدیریت اسلامی از منظومه پژوهشی این پژوهش استفاده گردد. پیشنهاد آخر نیز این است که در مورد راهبردهای پژوهشی خاص مدیریت اسلامی پژوهشهای جدی‌تری صورت بگیرد.

منابع فارسی

- آقا پیروز، علی؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفيعی، عباس؛ بهشتی‌نژاد، محمود (۱۳۸۳). مدیریت در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- احمدزاده کرمانی، روح الله (۱۳۸۴). تبیین فرایند مدلسازی و نظریه‌پردازی سازمانی بر اساس مبانی اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت. دانشگاه امام صادق(ع).
- الصفار، سالم (۱۳۸۵). سیره پیامبر در رهبری و انسان‌سازی. ترجمه غلامحسین انصاری. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- الهامی نیا، علی اصغر (۱۳۸۲). اخلاق مدیریت. قم: کوثر غدیر.
- امیری، علی نقی (۱۳۸۶). رویکردهای مدیریت اسلامی: رویکرد تجربی. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. س ۱۳. ش ۵۳: ۱۶۳ - ۱۴۵.
- امیری، علی نقی (۱۳۸۸). مدیریت اسلامی؛ رویکرد فقهی - اجتهادی. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. س ۱۵. ش ۵۸: ۱۲۷ - ۱۱۱.
- امیری، علی نقی؛ عابدی جعفری، حسن (۱۳۹۲). مدیریت اسلامی: رویکردها. تهران: سمت.
- بافکار، حسین (۱۳۸۴). بهره‌وری در پرتو اسلام. تهران: مرکز پژوهشهای صدا و سیما.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰). هویت علم دینی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). مختصات حکومت حق‌مدار در پرتو نهج‌البلاغه علی علیه‌السلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تهامی، مطهره (۱۳۸۵). مدیریت و ویژگی‌های مدیران نمونه از دیدگاه قرآن. قم: مهر امیرالمؤمنین(ع).
- حجازی فر، سعید؛ خانی، علی (۱۳۹۴). مآخذشناسی تحلیلی کتب مدیریت اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- چاوشی، کاظم (۱۳۸۸). بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی. فصلنامه پژوهشهای میان‌رشته‌ای قرآنی. س ۱. ش ۲: ۵۵ - ۴۳.
- چیت‌سازیان، علیرضا؛ جوانعلی آذر، مرتضی (۱۳۹۴). نقطه‌های آغاز در مدیریت اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

- خنیفر، حسین (۱۳۸۴). تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی. فرهنگ مدیریت. س ۳. ش ۱۰: ۲۰۱ - ۱۵۱.
- دشتی، محمد (۱۳۸۵). امام علی(ع) و مدیریت. چ سوم. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). ارباب امانت و اخلاق اداری در نهج البلاغه. تهران: دریا.
- رحمتی، محمد حسین (۱۳۸۸). نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی به عنوان یک دانش میان رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. د ۱. ش ۴: ۲۲۰ - ۱۹۷.
- رشید گزکوه، علی اصغر (۱۳۸۰). سلوک مدیریت از دیدگاه امیر المؤمنین علیه السلام. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری (وزارت مسکن و شهرسازی).
- رمضانی، محمدعلی (۱۳۸۷). سخنرانی در «اولین دوره آموزشی - پژوهشی مدیریت اسلامی». تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۰). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: صفار.
- سلگی، غلامرضا (۱۳۷۷). کتاب‌شناسی مدیریت در اسلام. فصلنامه مصباح. ش ۲۸: ۱۵۴ - ۱.
- سهرابی، بابک؛ اعظمی، امیر؛ یزدانی، حمیدرضا (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فرا ترکیب. چشم‌انداز مدیریت دولتی. ش ۶: ۲۴ - ۹.
- عابدی جعفری، حسن؛ ازگلی، محمد (۱۳۷۵). مروری بر سیر تحقیقات مدیریت اسلامی در ایران. فصلنامه مصباح. س ۵. ش ۱۹: ۱۲۰ - ۹۹.
- عابدی جعفری، حسن (۱۳۷۷). پیشگفتار. فصلنامه مصباح. ش ۲۸: ۱۸ - ۱۱.
- عابدی جعفری، حسن (۱۳۸۷). سخنرانی در «اولین دوره آموزشی - پژوهشی مدیریت اسلامی». تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- علی احمدی، علیرضا؛ علی احمدی، حسین (۱۳۸۳). مبانی و اصول مدیریت اسلامی. تهران: تولید دانش.
- فانی، مصطفی (۱۳۹۳). زیباشناسی سازمانی به مثابه یک فرم. فصلنامه علوم مدیریت ایران. س ۹. ش ۳۵: ۱۷۷ - ۱۴۵.
- کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی (۱۳۹۵). پیش‌نویس نقشه جامع مدیریت اسلامی. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- گنجعلی، اسدالله؛ پارسزاده، احمد (۱۳۹۰). مدل لاکاتوش - کوهن، به مثابه مدلی روش شناختی جهت نظریه‌پردازی در مدیریت اسلامی. اندیشه مدیریت راهبردی. س ۵. ش ۱۰: ۲۲۰ - ۱۹۹.
- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴). قرآن، مدیریت و علوم سیاسی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- قوامی، صمصام‌الدین (۱۳۹۲). فقه‌الاداره. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قوچانی، محمود (۱۳۷۴). فرمان حکومتی پیرامون مدیریتی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- لطیفی، میثم (۱۳۹۰). روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت

- اسلامی در دهه اخیر. اندیشه مدیریت راهبردی. س ۵. ش ۱۰: ۵۵ - ۲۵.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵). اخلاق مدیریت در اسلام. تهران: دارالحدیث.
- مشرف جوادی، محمد حسین (۱۳۷۸). اصول و متون مدیریت در اسلام. همدان: نور علم همدان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). مدیریت و فرماندهی در اسلام. چ هفتم. تهران: هدف.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۶). پیش نیازهای مدیریت اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). امدادهای غیبی در زندگی بشر. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مسئله شناخت. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی. قم: صدرا.
- نادری قمی، محمد مهدی (۱۳۷۸). قدرت در مدیریت اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره).
- نبوی، محمد حسن (۱۳۷۶). مدیریت اسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نجاری، رضا (۱۳۸۷). سخنرانی در «اولین دوره آموزشی - پژوهشی مدیریت اسلامی». تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- نجاری، رضا (۱۳۸۵). مبانی مدیریت اسلامی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- نصیری، فخرالسادات (۱۳۸۶). مدیریت اسلامی از دیدگاه قرآن، نهج البلاغه و روایات. همدان: روز اندیش.
- تقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۵). اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ویسی، غلامرضا؛ سوادی، محمد علی (۱۳۸۵). رفتار سازمانی در نگاه مدیریت اسلامی. قم: زمزم هدایت.

